

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

25 فبروری 2013

اشعار بر گزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(هشت)

وداع

زنده یاد "سرمد" معلم اندیشه مندی بود که در پهلوی دروس مکتب به شاگردانش درس آزادیخواهی و فداکاری و آگاهی انقلابی میداد. از این سبب مورد تنفر طبقات حاکمه قرار داشت. رژیم داوود مانند خلقی - پرچمیها و اخوانیها از انقلابیون نفرت داشت و زنده یاد سرمد را به خاطر افکار کمونیستی و انقلابی از کار برکنار کردند. این شعر زمانی که زنده یاد سرمد حکم اخراجش را دریافت کرد، در هنگام وداع با شاگردانش سروده شده است. مگر زنده یاد سرمد کسی نبود که حکم اخراج از کار وی را از باورهای کمونیستی و معتقدات انقلابی تهی سازد و سر به درگاه طبقات حاکمه بگذارد و از مبارزه و پیکار دست بکشد. مگر مرتجعین نمیدانند که کمونیستها مردمانی از سرشت ویژه ای هستند و از مصالح خاصی برش یافته اند. زنده یاد سرمد به آرمانهای انقلابی و کمونیستیش تا آخر وفادار ماند، تا آنکه این انقلابی کمونیست توسط قوادان خلقی - پرچمی با جمعی از همزمانش در سال 1358 در زیر شکنجه های وحشیانه به جاودانگی پیوستند. یاد شان گرامی باد.

رفتیم و اهل مدرسه تنها گذاشتیم داغی به روی صفحه دلها گذاشتیم
آن زورقی که بر لب ساحل نشسته بود بنگر چه گونه بر شط دریا گذاشتیم
حاضر به درس دادن بی مزد، کس نبود این رسم تازه را به شما، ما گذاشتیم
دادیم درس عز و فداکاری و شرف تا خاطرات خویش در اینجا گذاشتیم

تنها هدف نبود طریق دروس ما سنگی برای جنبش فردا گذاشتیم
تا چشم هوشیاری تان بازتر شود سه سال خوابِ راحتِ خود را گذاشتیم
تا آشنا شوید به اندیشه های نو بر نقشهای پوچ کهن، پا گذاشتیم
بردیم گرچه (خواجه) و (مهتاب) و دیگران اینجا (سخی) و (کاظم) و (ماما) گذاشتیم
چون بسته کرد راه گلو را غم و داع یک چند حرفِ خویش به فردا گذاشتیم

(سرمد)